



روایت روابط مصنوعی این روزهای ما در سایه فناوری‌های ارتباطی

یک پرس داندلود نامحدود، میهمان رستوران وای‌فای!

■ زینب شکوهی‌طرقی

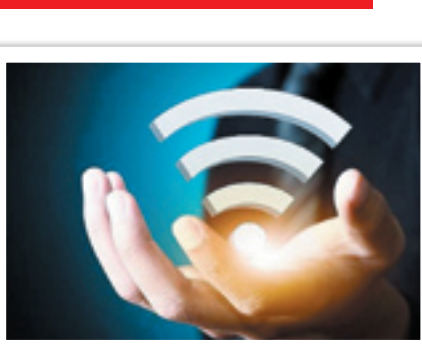
بیش از یک قرن پیش «آلبرت انیشتین» گفته بود: «من از روزی می‌ترسم که تکنولوژی از تعامل انسانی پیشی بگیرد، چنین روزی، جهان نسلی از احمق‌ها خواهد داشت.» آنچه انیشتین

رمز وای‌فای با فونت درشت

«به رستوران پیدا کردن که این همه وقت تلف کردن نداره سرچ بزنی برات میاد». مدت‌ها بود آخر هفته می‌خواستیم همه دور هم جمع شویم و به این بهانه یک رستوران هم برویم. پیدا کردن رستوران در تخصص دختر خاله جان است. نه فقط همه رستوران‌های تهران بلکه تقریباً رستوران‌های تمام کلانشهرها و مراکز استان‌های کشور را می‌شناسد. نه تنها آدرس، منو و شماره تلفن‌شان را دارد بلکه از قابلیت‌ها و امکانات ویژه‌شان هم خبر دارد. همیشه بعد از چند دقیقه فکر کردن می‌توانست یک جای خوب پیشنهاد بدهد اما معلوم نیست چه شده که چند روز است درگیر پیدا کردن یک رستوران خوب برای آخر این هفته شده و هیچ نتیجه‌ای هم به دست نیاورده است!

با تعجب نگاهش می‌کنم و می‌گویم: خوبه میخوای رستوران پیدا کنی، نمیخوای بسازی و افتتاح کنی چرا! آنقدر پولش میدی خوب؟ بگرد یک رستوران پیدا کن که دنج باشه، خلوت باشه و ترجیحاً موبایل‌ها آن‌تن نداشته باشه، یعنی نقطه کور باشه که اگر می‌خوایم دوساعت کنارهم باشیم، واقعاً کنار هم باشیم نه

عمه جان به خواسته معتادان عمل کرد!



میهمانی دورهمی این هفته قرار است برویم لواسان کوچک خانه عمه جان. تنها زندگی می‌کنند و به خاطر تنهایی‌اش تلویزیون خانه را به زور روشن می‌کند، چه برسد به سیستمی خانگی، HD یا سیستم صوتی. این دومین بار است که میهمانی خانه عمه جان با اعتراض چند وای‌فای وارد لیست سیاه جامعه می‌شود!

تک‌تک خانواده‌های فامیل تصمیم گرفته بودند به خواسته نابجای یک گروه محدود جواب مثبت بدهند، در حقیقت راضی شده بودند به خواسته چند نفر تن بدهند چون نمی‌خواستند از جمع فامیل کنار گذاشته شوند اما در این بین یک نفر مصراً روی موضعش پافشاری کرد. مادر بزرگ تنها کسی بود که پایش را در یک کشش کرد و گفت: «من وای‌فای نمی‌خرم، از این به بعد هم هرکس می‌خواهد بیاید خونه من، بدونه دم در گوشیش رو تحویل می‌گیرم آخر شب موقع رفتن تحویلش میدم. قراره دو سه ساعت خونه من مهمون باشید اینجا کافی‌نت نیست که هر کدومتون بیاید موبایل دست بگیرید. بعد از یک هفته سخت پر مشغله می‌خوایم همدیگر رو ببینیم و از احوال هم‌باخبر بشیم پس توی خونه من موبایل بی‌موبایل. ممنوع».

خلاصه اینکه مادر بزرگ وقتی می‌دید میهمانی‌های آخر هفته به میزبانی کسانی بر گزار می‌شود که همه وای‌فای دارند و میهمان‌ها به جای لذت بردن از زمان میهمانی

اینکه فکر و ذهن‌مون داخل موبایل و نت باشه.

با چشمانی نازک کرده، بادی به غیغ می‌اندازد، انگار چیزی می‌داند که من نمی‌دانم. نگاه فکوره‌انای به من کرده و می‌گوید: باید یک رستوران باشه که علاوه بر غذای خوب و فضای شیک حداقل وای‌فای داشته باشه یا نه؟

«وای‌فای؟! رستوران وای‌فای می‌خواهد چی کار؟ قرار است چند ساعت از دست وای‌فای خانه و اینترنت موبایل خلاص شویم که کنار هم باشیم و لذت ببریم، حالا این دارد می‌گردد یک رستوران پیدا کند که وای‌فای داشته باشد؟! رستورانی که قرار است برای چند ساعت خوشی برویم اما وای‌فای دارد را کجای دلم بگذارم؟! متأسفانه نه تنها جست‌وجویش نتیجه می‌دهد بلکه نتیجه‌اش فوق تصور و پیش‌بینی من است. تقریباً در هر نقطه از شهر تهران می‌شود چندین رستوران، فست فود و قهوه‌خانه را پیدا کرد که وای‌فای پر سرعت با داندلود نامحدود دارد. از بین همه گزینه‌ها یک رستوران سنتی را انتخاب می‌کنیم. جنوبی‌ترین نقطه تهران حوالی میدان قیام تمام طول مسیر تا رسیدن به رستوران به جای اینکه فکرم درگیر ترافیک و اتفاق‌های شام آن شب باشد به این فکر می‌کردم که چرا هیچ جاز از دستن این فناوری در امان نیستیم؟ تا کجا قرار است این فناوری پر سرعت اینترنت همراهمان باشد. اگر

می‌کنند، در دست مثل معنادانی که مواد دیر می‌رسد به

آنها و استخوان درد می‌گیرند. حقیقتاً معناد چنان‌تکار نیست بلکه بیمار است و صدا البته که اعتیاد فقط به مواد فیزیکی و مخدر نیست. اعتیاد یعنی وابستگی به هر چیز و هر کس، حتی وابستگی به وای‌فای! بعد از چندبار کנסل شدن میهمانی بالاخره عمه جان در تنگنا قرار می‌گیرد که برای دیدن خواهر زاده‌ها و برادر زاده‌ها، خواهر و برادر و همسرانشان باید دل چند نفرشان را به‌دست آورد. این چند نفر چه می‌خواهند؟ پاسخ روشن است، «وای‌فای». من که برخلاف بقیه از نبود این فناوری در خانه عمه جان خوشحال بودم، خوشحالی‌ام طولی نکشید چون دلتنگی عمه جان آنقدر قوی بود که او را وادار کند پیش‌از دورهمی بعدی با اوضاع جسمی وخیمش برود و از مخابرات بخواهد تا بیابند و برایش وای‌فای نصب کنند. نسل جدید با خودخواهی‌شان چه بلایی سر خودشان و بزرگ‌ترها می‌آورند! واقعاً که اسفناک است. با کمال تعجب این دفعه وقتی در میهمانی آخر هفته خانه عمه دعوت بودیم دیدم همه بلااستثنا بارفتن به خانه عمه‌جان موافق هستند، اما چرا! جوابش مشخص بود، همه معنادها می‌دانستند

حالا حتی در خانه عمه‌جان می‌توانند از خدمات وای‌فای پر سرعت استفاده کنند. جالب‌تر اینکه یکی از دخترها وقتی می‌شوند آخر هفته بعد وعده خانه عمه‌جان است با صدای بلند آرزو می‌کند «خداکنه عمه وای‌فای با حجم داندلود نامحدود گرفته باشه!»

عمه برود برای ما وای‌فای بگیرد، سرعت داندلود نامحدود باشد، سرعت اینترنتش بالا باشد تا ما بعد از چند بار گفتن این جمله که «چون خونه عمه وای‌فای نداره نمیارم» رضایت بدهیم این هفته برویم خانه عمه پسر تنها، ما کجای مرز خودخواهی ایستاده‌ایم خدا می‌داند، اما نکته اینجاست که خواسته معتادها در مورد وای‌فای داشتن صاحب مجلس به خانه عمه جان محدود نشد و رفته‌رفته مرز میهمان‌های آخر هفته به خانه کسانی که وای‌فای دارند محدود شد.

در حقیقت تمهاتی یکی از چند قربان خواسته‌های جمع بود. عمه خواست چند نفر را پذیرفت چون دوست نداشت از دیدن فامیل محروم بشود، یعنی عشق و علاقه‌اش به جمع فامیل او را وادار کرد با همه تنهایی و بی‌نیازی‌اش به وای‌فای به خواسته دل جمعی راه بیاید.

گرهی که بزرگ‌ترها باز کردند

مقاومت کچه پرسد به اینکه کلاً برای چند ساعت متوالی موبایلش را بگیرند، اما حالا آرامشی به‌دست آورده بودیم که در مقابله با قیل بی‌نظیر بود. خلاصه اینکه یک بیماری شایع که رفته‌رفته در بین همه اعضای فامیل ریشه کرده بود از خانه مادر بزرگ در حال ریشه‌کن شدن بود! ریشه‌کن شدنی که اگر چه درد داشت، اما لذتش بیشتر از دردش بود. لذت بودن با هم در دنیای حقیقی بیشتر و دلچسب‌تر از بودن‌های موقت در دنیای مجازی بود.



■ **اره تکنولوژیک بهتر است یا قلم سنتی؟**

تصور کنید یک تنه درخت به مثابه کل زندگی ما باشد و تصویر نهایی حک شده روی آن تصویر کیفی زندگی‌مان باشد. دو نفر می‌خواهند روی این تنه درخت حکاکی کنند، یکی با قلم سنتی چوب‌بری و دیگری با اره برقی.

تفاوت سرعت، عملکرد و تصویری که روی تنه ایجاد می‌شود به مثابه تفاوتی است که سنت و فناوری روی زندگی‌مان ایجاد می‌کند. طبیعی است کسی که از اره برقی استفاده می‌کند سریع‌تر کارش پیش می‌رود و حجمی که تراش می‌دهد بیشتر و بزرگ‌تر است. قطعاً تصویری با چنین زمختی کیفیت خوبی ندارد اما چون تمام مراحل کار در چند دقیقه انجام می‌شود یک نکته قابل دفاع برای خودش دارد.

در طرف دیگر این تنه با یک قلم چوب‌بری سنتی تراشیده می‌شود؛ قلمی که کار کردن با آن حداقل چند روز زمان می‌برد اما چنان ریزه‌کاری دارد که تصویری خلق می‌شود به واقعیت بسیار نزدیک. در این مورد زمان قربانی می‌شود تا سنت، کیفیت کار را بالا ببرد.

بر اساس منطق، اره تکنولوژیک برای آینده نزدیک بشر اهمیت بیشتری دارد تا تکامل بیولوژیک.

امروزه به‌جای اینکه معنی انسانیت را قلم جراحی بیولوژیک تعریف کند، اره تکنولوژیک باز تعریف می‌کند. ابزارهایی که ما استفاده می‌کنیم، شیوه زندگی ما را سریع‌تر از آنچه فکر می‌کنیم تغییر می‌دهند. ما به مثابه همان کنده چوب هستیم و یعنی اوقات حتی متوجه تغییر نمی‌شویم.

■ **ایا در مسیر دلخواه‌مان هستیم؟**

فرش این مطلب که ما با مصنوعات تکنولوژیک از پوشش گرفته تا نحوه زیست‌مان به عنوان مثال تلفن‌های هوشمند و اتومبیل‌های نسل جدید و



غیره در حال تکامل هستیم، این سؤال را در ذهن ایجاد می‌کند که آیا این نوع از تکامل ما را در مسیر دلخواه‌مان قرار می‌دهد؟ بسیاری از اندیشمندان اروپایی در پاسخ به این سؤال بی‌محابا می‌گویند بله چون تکنولوژی بر اساس ذهن انسانی ایجاد می‌شود که از نبوغها و کمبودها رنج می‌برد پس طبیعی است تلاشی در جهت حل مشکلات کند. در نتیجه قطعاً این تکنولوژی زندگی انسان را در مسیر تکاملی قرار می‌دهد که مورد خواست انسان است. این گروه معتقدند تکنولوژی همانی را می‌خواهد که زندگی طلب می‌کند؛ افزایش بهره‌وری، فرصت، شکوفایی، پیچیدگی، تنوع، تخصص‌گرایی، حضور فراگیر، آزادی، هم‌زیستی متقابل، زیبایی، شور و هیجان، ساختار و افزایش تکامل.

اما گروه دومی هم وجود دارند که به این سؤال پاسخ منفی می‌دهند. آنها معتقدند چون آدمی بر اساس در کی که از زندگی شخصی و اجتماعی خودش دارد، دست به بین همه اعضای ریشه کرده می‌زند و چون در ک هر انسان بسته به شرایط و موقعیتش نسبی است، قطعاً تکنولوژی نمی‌تواند ناقص همه انسان‌ها مفید باشد. آنها معتقدند فکر ناقص انسان نمی‌تواند تکنولوژی‌ای را مطرح کند که سبب تکامل کیفیت و سرعت زندگی همه انسان‌ها باشد.

■ **کیفیت را فدای سرعت کرد‌ه‌ایم**

حرف من این است که اگر چه تکنولوژی صرفاً تنها دلائل این همه واکنش متفاوت نیست اما دانشمندان به روشنی عنوان کرده‌اند تکنولوژی یک مؤلفه مؤثر است.

انسان رفاه طلب است. این بدان معناست که آدمی هر تلاشی می‌کند در جهت رفاه و لذت بیشتر است. اگر کار می‌کند با هدف کسب درآمد بیشتر برای زندگی بهتر است. اگر موبایل اختراع می‌شود برای دسترسی راحت‌تر است. اگر رایانه اختراع می‌کند صرفاً برای افزایش رفاه کاری خودش است. در حقیقت ما به عنوان ار گانسیم‌های جست‌وجوگر آسایش، بیشترین هزینه را صرف به حداقل رساندن درد و حداکثر رساندن لذت می‌کنیم و زمانی که بحث از تکنولوژی می‌شود،

زندگی با اره تکنولوژیک یا قلم سنتی؟

چاقوی دو لبه فناوری در دست ما

■ **دکتر سروش برهانی***

فناوری همانقدر که نبودنش ز حمت آفرین است و زندگی را به عقب می‌کشد، بودنش هم قطعاً روی سرعت و کیفیت زندگی تأثیر می‌گذارد اما همیشه مهم‌ترین بحث در مقوله فناوری و ارتباطات این است که خوبی‌ها بیشتر است یا بدی‌ها؟ به عبارت دیگر همه نگران این هستند که اگر خوبی‌ها و بدی‌های فناوری را با توجه به سبک زندگی‌های مختلف در کنه‌های یک ترازو بگذارند، کفه‌ای که به نسبت دیگری سنگین است کدام است؟ برای اینکه متوجه عمق تأثیر گذاری فناوری در تغییر عملکرد و زندگی‌مان شویم، بهتر است یک مثال را مرور کنیم.

ما اصولاً در پی آسان کردن امور هستیم یا نهایتاً اینکه حوصله‌مان سر نرود و البته اینکه قدری جوان‌تر به نظر بیاییم.

عافیت‌طلبی، رفاه‌طلبی و لذت‌جویی آدمی را اگر به عنوان تکه‌های پازلی درنظر بگیریم که کنار تکه‌ای با نام «تکنولوژی» قرار می‌گیرد، قطعاً نتیجه خوبی حاصل نمی‌شود. آدمی مادامی که بخواهد کیفیت را قربانی رفاه و لذت کند، تصمیم می‌گیرد سرعت را زیاد کند.

■ **چاقوی دو لبه تکنولوژی را چگونه استفاده کنیم؟**

تأمیل ما برای آسایش، به همراه قدرت تکنولوژی‌کی‌ای که در دست ماست، پیمامد ناخوشایندی را رقم خواهد زد که اگر ما قرب نشاشیم، تکامل تکنولوژیک، ما را به‌جای اینکه به سوی شگفتی‌ها رهنمون کند به سمت بی‌حرکی هدایت خواهد کرد. آینده‌ای که اینچنین تعریف شود، نه توسط اندیشه کمال طلب بلکه توسط نبود سختی و محنت تعریف شده است.

آینده‌ای که بخواهد بر اساس تصور و لذت‌جویی آدمی و با کمک فناوری تکنولوژی که او با ذهنش ساخته ایجاد شود، قطعاً آینده درستی نخواهد بود.

بی‌حرکی نیز چندان اجتناب‌ناپذیر نیست اما احتمال وقوع آن این موضوع را روشن می‌کند که به عنوان گونه‌های انسانی، ما به ماشین‌ها برای اینکه بشیریت را در مسیر کنیم نیاز داریم. صنعت تکنولوژیک که تلاش فراوانی را صرف تعریف انسان می‌کند، به‌جای اینکه صرفاً نیازهای محدودمان را برآورده کند، همچنین وظیفه دارد ما را در رسیدن به تکامل یاری نماید. تکنولوژی به طور بالقوه هم فرصت و هم ابزار رسیدن به چیزی والا تر را در خود دارد و ما به